

# درباره اشکالها و نقایص بی شمار ترجمه کتاب اعراب و ایرانیان؛ بر اساس روایت فتوحات اسلامی<sup>۱</sup>

دانشجوی تاریخ دانشگاه تهران | به قلم: علیرضا خزایی

| ۳۱۷-۳۴۲ |

۳۱۷

آینه پژوهش | ۲۰۶  
سال ۳۵ | شماره ۲  
خرداد و تیر ۱۴۰۳

چکیده: کتاب «اعراب و ایرانیان؛ براساس روایت فتوحات اسلامی» اثری است تخصصی در واکاوی رخداد‌های موسوم به فتوحات اعراب در ایران که مترجمی ناآشنا با قواعد ابتدایی تاریخ، نسبت به ترجمه آن اهتمام ورزیده و ماحصل کار او، چیزی جز سیاهه‌ای از اغلاط فاحش نیست. در این فصل، سعی بر آن شده است تا اشکالات و نقایص عدیده ترجمه کتاب معین گردد، تا بلکه خوانندگان و علاقه‌مندان نامتخصص دریابند که داخل شدن در امور تخصصی علوم دیگر، بی آنکه آشنایی با ابتدایات آن علوم در اندوخته دانشی ایشان باشد، به چه فجایع علمی خواهد انجامید. امید راقم این سطور آن است که این مُثَل، عبارت‌آموز ایشان باشد.

کلیدواژه‌ها: نقد و بررسی کتاب، اعراب، ایرانیان، فتوحات اسلامی.

**On the Numerous Flaws and Deficiencies in the Translation of the Book "Arabs and Iranians in the Islamic Conquest Narrative"**  
Alireza Khazaei

**Abstract:** The book "Arabs and Iranians in the Islamic Conquest Narrative" is a specialized work that delves into the events known as the Arab conquests of Iran. However, its translation was undertaken by a translator unfamiliar with the basic principles of history, resulting in a text rife with glaring errors. This chapter aims to highlight the numerous flaws and deficiencies in the translation of the book, to illustrate to non-specialist readers and enthusiasts the potential scientific disasters that can ensue when one ventures into specialized fields without even a basic understanding of the relevant principles. The author of these lines hopes that this example will serve as a lesson to them.

**Keywords:** Book Review, Arabs, Iranians, Islamic Conquests.

۱. اسکات ساوران (۱۳۹۸)، اعراب و ایرانیان؛ بر اساس روایت فتوحات اسلامی، ترجمه سمانه کدخدایی مرغزار، ج دوم، تهران: نشر علم، ۴۳۷ ص.



## پیش‌گفتار

کتاب *Arabs and Iranians in the Islamic Conquest Narrative; Memory and Identity Construction in Islamic Historiography, 750-1050* به سال ۱۳۹۸ خورشیدی با ترجمه سمانه کدخدایی مرغزار توسط نشر علم انتشار یافت.<sup>۱</sup> این ترجمه از سوی استادان، دانشجویان و پژوهندگان مختلف فعال در عرصه‌های گونه‌گون ایران‌شناسی و به‌ویژه کسانی که در حوزه‌هایی چون تاریخ‌نگاری و تاریخ‌سنجی اسلامی، تاریخ صدر اسلام و بررسی رخدادهای موسوم به فتوحات اعراب در ایران و دیگر حوزه‌های مربوط فعالیت می‌کنند، به واسطه اشکال‌ها و نقایص بسیار نقد و بررسی شد؛ از جمله دکتر زاگرس زند شماری از اشکال‌های این ترجمه را در صفحه مجازی خویش یادآور شد و برخی وب‌سایت‌ها نیز به بازنشر آن یادداشت‌ها اهتمام ورزیدند. با وجود این تذکرات و تقریرات، چاپ دوم اثر پیش‌گفته بدون هیچ دخل و تصرفی با هدف بهبود کیفیت ترجمه کتاب، روانه بازار شد و تا کنون، تحریر یا ویراستی دیگر از این برگردان ناصواب و اغلاط پرشمار آن، به دست نیامده است. نگارنده این سطور خود شاهد آن بوده است که همگان قادر به خواندن اصل انگلیسی کتاب مذکور نیستند و عمده دانشجویان به‌ویژه دانشجویان کارشناسی و حتی برخی دانشجویان مقاطع ارشد و دکتری و مخاطبان و علاقمندان عام که در سلک مخاطبان غیرتخصصی کتبی از این حیث قرار می‌یابند، به چه اندازه از خوانش ترجمه ناروای اثر عاجزند و گاهی تا چه اندازه به راه بادیه می‌روند و اسامی و مباحث طرح‌شده کتاب را دیگرگون از مقاصد اصلی نگارنده آن فهم می‌دارند و این مسئله خبطی است ناگذرا و چشم‌ناپوشیدنی.

از این حیث راقم این سطور بر آن شد تا میان آثار منتشرشده چندسال اخیر به دنبال رهنامه‌ای از برای خوانش این اثر و ترجمه نادرست آن باشد؛ اما متأسفانه نقدی جامع و کامل بر ایرادهای برگردان فوق به دست نیامد که خوانندگان کم‌توان‌تر و ناآشناتر را به کار آید؛<sup>۲</sup> به همین دلیل نگارنده بر آن شد تا خود به بررسی و تصحیح برگردان کتاب آقای

۱. از قیاس عناوین مشهود است که مترجم فارسی تنها بخش نخست عنوان انگلیسی را برگردان داشته است!

۲. گرچه پیش‌تر محمد مهدی سلمان پور به پاره‌ای از اشکال‌های مهم بخش ضمایم پرداخته است (ر.ک: محمد مهدی سلمان پور (۱۴۰۰)، «یک کتاب و انبوهی از خوانش ناصواب نگاه‌های انتقادی به ترجمه کتاب "اعراب و ایرانیان بر اساس روایت فتوحات اسلامی"»، آینه پژوهش، ش ۲ (پیاپی ۱۸۸)، ص ۳۳۱-۳۴۲).

ساوران پردازد و این ناراستی‌ها را با استناد به منابع و مآخذ دقیق تنقیح نماید. در این راه بود که بر نگارنده روشن شد سعی در تصحیح و بیان جامع خطایای برگردان فارسی میسر نیست و تلاشی است بیهوده و چنان‌که سعی بر ترجمه‌ای نوآیین تمرکز یابد، فایده آن عمل فزون‌تر و سختی کار به مراتب کمتر می‌نماید. باری، تصمیم بر آن شد تا تنها صورت‌های ضبط اسامی به ویژه تاریخی، جای نام‌ها، نام کتب و آثار تألیف شده قدیمی، نام پژوهشگران جدید و برخی اصطلاحات پرواضح ساده اما در برگردان فارسی به اشتباه نقل شده، اصلاح گردند. به همین سبب فهرستی از بسامد لغزش‌های مورد بحث فراهم آمد و صورت‌های بی‌عیب هر مورد برای استحضار خوانندگان با رجوع به منابع و مآخذ مختلف ترتیب یافت تا دست‌کم خوانندگان نوباوه تاریخ، از جمله برخی دانشجویان و اصحاب تفرج و تفنن را رهنما باشد و دست‌گیر و از طرفی دیگر، چنان‌که پسان‌تر قصد یا سعی شخصی بر ارجاع به اثر یا طبع ترگوبه‌ای نوآیین از آن بود، از اشکال‌ها و نقایص مذکور آگاه باشد و راه خطا را دگر باره نییماید.

پیش از هر چیز باید یادآور شد یکی از عیوب اصلی برگردان فارسی موجود، تلاش مترجم است در برگردان منابع و مآخذ کار به فارسی؛ این عمل گرچه پیش‌تر در آثار متقدمان ما معمول بود و مرسوم، ولی چندی است که از تمتع این شیوه می‌گذرد و امروزه خطایی بس عجیب و مشکل‌آفرین است؛ چراکه امکان رجوع دیگر پژوهندگان و محققان را که به خوانش نسخه فارسی پرداخته‌اند، به اصل منابع و مآخذ مذکور صعب و سلب می‌دارد. چنان‌که پیش‌تر نیز حسن زندیه در ترجمه خویش از کتاب دیوانسالاری عصر صفوی به قلم ایران‌شناس هلندی، ویلم فلور در نقدی که بر ترجمه کاظم فیروزمند از همان کتاب در ابتدای برگردان خویش بنگاشت، متذکر می‌گردد:<sup>۱</sup>

... عناوین منابع بایستی به همان زبانی که مؤلف آنها را مورد استفاده قرار داده، در ترجمه وارد و نبایستی عناوین منابع ترجمه شود. ... آنهایی که در اصل فارسی هستند، بدیهی است که در ترجمه هم به فارسی برگرداننده می‌شوند، مانند تاریخ عالم‌آرای عباسی؛ چراکه مؤلف از متن فارسی آن استفاده کرده است؛ اما مواردی نیز وجود دارد که مؤلف از متن غیرفارسی استفاده کرده، بنابراین نباید این منابع و مشخصات آنها به

۱. ویلم فلور (۱۳۹۷)، دیوانسالاری عصر صفوی، تحقیق و ترجمه: حسن زندیه، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۸.

فارسی ترجمه شوند؛ چراکه قابلیت سرچ و بازیابی آن از بین می‌رود و طبعاً صفحات ارجاع داده شده، با متن اصلی منطبق نیست و ممکن است چنین صفحاتی اصلاً در متن فارسی موجود نباشد خواننده دچار سردگمی شود.

به همین ترتیب، نگون‌بختانه مترجم کتاب اعراب و ایرانیان نیز جمله منابع و مآخذ فارسی، عربی و لاتین (به زبان‌های گونه‌گون از جمله انگلیسی، آلمانی و فرانسوی) را تمام و کمال به فارسی برگردان کرده است و چنان‌که در بخش بررسی اصطلاحات بازخواهیم جست، برخی اصطلاحات مهم در عناوین کتب و مقالات را به اشتباه برگردان کرده است و فراوان اسامی نگارندگان و کتب را اشتباه می‌نگارد. در این گفتار به دلیل کمی فرصت و بیش‌اغلاط کار، تنها به ذکر موارد خاص و اهم اشکالات پرداخته‌ایم و تصحیح کلیه عناوین لاتین صورت نگرفته است و تنها ایرادهای مترجم در برگردان عناوین فارسی و عربی درباره اصطلاحات مهم و برخی منابع خاص، مشخص و تصحیح شده‌اند. گفتنی است مترجم اثرگاهی اشکال‌ها را نه به یک صورت، که با ضبط‌های گونه‌گون در برگردان خویش آورده است و هر کدام از این قسم لغزش‌ها را در جای خویش یادآوری کرده‌ایم.

جز این، امید نگارنده بر آن است که بازنمایاندن چنین خطایا و اشکالاتی، دیگر علاقمندان و فعالان عرصه ترجمه آثار ایران‌پژوهان و مورخان غربی را از تکرار این موارد مصون و به دور دارد و از طرفی دیگر، ایشان را سندیتی باشد؛ از آن حیث که بدون تتبع و اندوخته شایسته و بایسته، داخل شدن در کار ترجمه این قسم آثار را مصاعب چیست و بی‌دقتی در کار را چه فجایعی است!

### الف) ضبط‌های ناصواب مترجم

۱. رستم فرخزاد که می‌بایست رستم فرخ‌هرمزد می‌نگاشت.
۲. رُم و رُمیان که می‌بایست ترتیباً روم و رومیان می‌نگاشت.
۳. همیری، حماری و همیرا که می‌بایست حمیر و حمیری می‌نگاشت.<sup>۱</sup>

۱. در برخی اوراق و سطور، مترجم صورت درست و نادرست را یک‌جا به کار بسته و نقل داشته که امری است تعجب‌برانگیز و قابل تأمل در این کتاب (برای مثال در صفحات ۱۸۲ و ۱۹۶، هر دو صورت حمیری و همیری را به کار برده است)؛ علت این نایکسانی رأی در صورت ضبط از طرف مترجم بر ما عیان نیست و محتمل آنکه از

۴. هیرا و هییره که می‌بایست حیره می‌نگاشت.<sup>۱</sup>
۵. زرتشت، زرتشتی، زرتشتیان، زرتشتیات و زرتشتیتی که می‌بایست زردشت، زردشتی و زردشتیان می‌نگاشت.
۶. حشام بن کلبی و حشام بن محمد که می‌بایست هشام بن محمد بن سائب یا ابن کلبی می‌نگاشت.
۷. حشام بن عبدالمالک که می‌بایست هشام بن عبدالملک بن مروان می‌نگاشت.<sup>۲</sup>
۹. نباتیان که می‌بایست نبطی‌ها می‌نگاشت.
۱۱. زیزن، ابومورا زیزن، سیف بن زیزن و زویزن که می‌بایست سیف بن ذی یزن می‌نگاشت.
۱۲. عمر بن معدیکرب یمنی و عمر بن معدی کرب که می‌بایست عمر بن معدیکرب زییدی مزحجی می‌نگاشت.
۱۳. عمر، عمر بن ادی و ادی بن نصر که می‌بایست عمر بن عدی بن نصر بن ربیع می‌نگاشت.
۱۴. عبدی بن زید، ادی بن زید، عدی بن زید و ادی که می‌بایست عدی بن زید عبادی تمیمی می‌نگاشت.
۱۵. قع قع بن عمرو که می‌بایست قع قع بن عمرو بن مالک تمیمی می‌نگاشت.

ناآگاهی و ناآشنایی مترجم به صورت ضبط «حمیر» باشد و به سبب همین ناآگاهی و ناآشنایی، در برگردان خویش، طُرُق گونه‌گون را در پیش بگرفته یا از ابزارهای ترجمه مجازی که گاهی اسامی تاریخی را به صورت‌های مختلف و نادرست در اختیار قرار می‌دهند، بهره جسته است.

۱. بسامد دو صورت ضبط ناصواب گرچه فزون‌تر از این شمار است، در بعضی موارد، ضبط حیره را نیز مترجم نقل داشته است و جز آن در صفحه ۳۰۵، به فاصله‌ای اندک‌تر از یک سطر، دو صورت «حیره» و «هیرا» را از پی یکدیگر آورده است. از این حیث، همچون اقسام ضبط «حمیر»، مترجم بی‌هیچ تذکر و اطلاعی از چرایی چنین امری، به تمتع ضبط‌های دیگر از یکدیگر پرداخته و اغلاط مذکور در سراسر کتاب قابل مشاهده‌اند.

۲. باری در مرتبه‌ای دیگر نیز نام خلیفه اموی «عبدالملک بن مروان» را به صورت مغلوط عبدالمالک (ص ۶۸) ضبط داشته است؛ ولی این تکرار قدری بر ذمه نگارنده می‌نماید، از آن جهت که Abd al- Mālik را در عوض Abd al- Malik ضبط داشته و به احتمال مترجم نیز به واسطه صورت ضبط انگلیسی و بوده در ضبط مذکور، آن را همه جا «عبدالمالک» بازخوانده است.

۱۶. ابو عبیده معمر بن مسنی که می بایست ابو عبیده معمر بن مثنی ثقفی می نگاشت.<sup>۱</sup>
۱۷. زیبا بنت ضریب، زیبا، ذباج و زنوییا که می بایست زیبا بنت عمرو می نگاشت.<sup>۲</sup>
۱۸. مقیره بن شعبه، مقیر بن شعبه اعور و مقیره که می بایست مُغیره بن شعبه می نگاشت.
۱۹. احمد بن ابی یعقوب معروف به یعقوبی ضبط داته که اصل خطای مذکور را نگارنده اصلی مرتکب شده و نسب یعقوبی را نادرست آورده (p.15) و می بایست نسب او را ابوالعباس احمد بن اسحاق بن جعفر بن وهب بن واضح یعقوبی می نگاشت.<sup>۳</sup>
۲۰. بلاذوری و بلاذوری که می بایست احمد بن یحیی بلاذری می نگاشت.<sup>۴</sup>
۲۱. نهایت العرب فی الاخبار الفرس و العرب، نهایت العرب و نهایت که می بایست نهایت الأرب فی أخبار الفرس و العرب می نگاشت.
۲۲. بخت نصر و بخت النصر که می بایست نبوکد نصر می نگاشت.<sup>۵</sup>

۱. صورت صحیح مأخوذ است از: حسن بن عبدالله سیرافی (۱۳۷۳ ه.ق)، أخبار النحویین البصریین، ج ۱، المحقق: طه محمد الزینی و محمد عبدالمنعم خفاجی، الناشر: مصطفى البابی الحلبی - بی جا، ص ۶۸.
۲. برای اقوال گونه گون درباره صورت نام مذکور، بنگرید به: ستار عودی و زلیخا نقوی (۱۳۹۵)، «زبّاء بنت عمرو»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۱، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
۳. درباره صورت صحیح نسب یعقوبی، بنگرید به: عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغنی (بی تا)، معجم المؤلفین، ج ۱، الناشر: مكتبة المثنی - بیروت، ص ۱۶۱؛ محمد علی مدرس تبریزی (۱۳۶۹)، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، ج ۶، تهران: کتابفروشی خیام، ص ۲۹۷-۲۹۸.
۴. درباره بلاذری و صورت نگارش نامش، بنگرید به: علی بهرامیان (۱۳۸۳)، «بلاذری»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۵. در اصل بابلی آن را نبوکودوری اوصّر (Nabû-kudurri-ušur) تلفظ داشته اند و آن در معنا «نبو، وارث مرا پیاید» باشد. صورت بهین تر آنکه ضبط فارسی، «نبوکد نصر» باشد، اگرچه به گونه نبوکد نزر نیز پیش تر برخی بنگاشته اند و از طرفی دیگر، ضبط قدیم بخت النصر نیز به ادله ای که خارج از فرصت سخن ماست، به جهت این نام صحیح نمی نماید. مترجم صورت «نبوکد نصر» (p.43) را در برگردان خویش انداخته و تنها از صورت بخت النصر در ترجمه خویش بهره جسته است. درباره نام طرف مذاقه، بنگرید به:
- Sack, Ronald H. (2004), *Images of Nebuchadnezzar: The Emergence of a Legend* (2nd Revised and Expanded ed.), Selinsgrove: Susquehanna University Press, p. 1; Porten, B., Zadok, R., Pearce, L. (2016), "Akkadian Names in Aramaic Documents from Ancient Egypt", *Bulletin of the American Schools of Oriental Research*, No. 375 (375): pp. 1-12.

۲۳. نمارا که می‌بایست کتیبه نماره می‌نگاشت.<sup>۱</sup>
۲۴. عمرو الغیث که می‌بایست إمرؤ القیس می‌نگاشت.
۲۵. میثم و نیشان که می‌بایست میشان/ میسان می‌نگاشت.<sup>۲</sup>
۲۶. پاتریشیا کرون و کرون که می‌بایست پاتریشیا کرونه می‌نگاشت.<sup>۳</sup>
۲۷. عقد الفرید، عقد و العقد که می‌بایست العقد الفرید می‌نگاشت.
۲۸. اغانی که می‌بایست الأغانی می‌نگاشت.
۲۹. مسکاویش، میس کوای و مسکوای که می‌بایست مُسکَوِیه می‌نگاشت.
۳۰. ایران ساسانی، ایران در عصر ساسانی، ایران عصر ساسانیان، ایران در عصر ساسانیان، ایران عصر ساسانی و ایران در عهد ساسانی که می‌بایست ایران در زمان ساسانیان می‌نگاشت.<sup>۴</sup>
۳۱. مایکل شامی و میشل شامی که می‌بایست میکائیل سُریانی یا میکائیل بزرگ می‌نگاشت.<sup>۵</sup>

۱. عرب آن را نقش النماره (Naqš an-Namārah) گویند. برای پاره‌ای از ملاحظات و تتبعات مهم درباره سنگ‌نبشته مذکور، بنگرید به:

Shahīd, I. (1984), *Byzantium and the Arabs in the Fourth Century*, Dumbarton Oaks Research Library and Collection, pp. 31- 52; Bellamy, James A. (1985), "A New Reading of the Namara Inscription", *Journal of the American Oriental Society*, Vol, 105, No. 1, pp. 31-48.

۲. سرزمینی در شمال رأس دریای پارس که در یونانی باستان آن را خاراکیسن (یونانی: Χαρακηνή) و خوانش آن: Charakini) می‌خواندند و امروزه در کشور عراق استانی به مرکزیت شهر عمّاره به نام میسان وجود دارد و در ایران، شهرستان میشان را پس از پایان جنگ ایران و عراق، دشت آزادگان نام نهادند و مرکز امروزی آن شهر سوسنگرد است.

۳. آوای پایانی نام کرونه متشابه آوای پایانی نام شارلمانیه در زبان فرانسه. از این حیث، ضبط کرون از برای آن، همانند ضبط شارلمانی یا شارلمان برای شارلمانیه صحیح نمی‌نماید.

۴. کتاب را که عنوان اصل فرانسه آن L'iran Sous Les Sassanides است و کتاب را در فارسی به ایران در زمان ساسانیان برگردان داشته‌اند، اما مترجم به اقسام دیگری آورده است.

۵. در عربی او را میخائیل السریانی، در سُریانی کلاسیک او را ܡܝܚܝܐܝܠ ܫܘܪܝܝܢܝ (با خوانش: Mīkḥō'ēl Sūryoyo و در فارسی: میکائیل سُریانی) و دیگر او را ܡܝܚܝܐܝܠ ܪܒܘܢܝ (با خوانش: Mīkḥō'ēl Rabo و در فارسی: میکائیل بزرگ) می‌خواندند. در ضبط فونتیک نام فوق (یعنی: میکائیل سُریانی/ بزرگ)، به تأسی از مآخذ از نظر گذرانده شده، از صورت kh برای «خ»، بهره جسته‌ایم، حال آنکه در نگارش فونتیک، kh دارای آوای «ک» و «ه» است (در

۳۲. مرونی، میکائیل مورونی و ا. مرونی که می‌بایست مایکل مورونی یا مورونی می‌نگاشت.
۳۳. شم پسر نوح که می‌بایست سام پسر نوح می‌نگاشت.
۳۴. دیودوروس سیکولوس و دیودوروس که می‌بایست دیودوروس سیسیلی می‌نگاشت.<sup>۱</sup>
۳۵. علائیس و یولیز که می‌بایست نبرد آلیس یا نبرد نهرالدم می‌نگاشت.
۳۶. هیبری و هبری که می‌بایست ابن عبری می‌نگاشت.<sup>۲</sup>
۳۷. جی. لازارد که می‌بایست ژیلبر لازار می‌نگاشت.
۳۸. نمایشنامه پارسیان که می‌بایست ایرانیان می‌نگاشت.<sup>۳</sup>
۳۹. اسخیلوس و عائشیلوس که می‌بایست آیسخولوس می‌نگاشت.<sup>۴</sup>
۴۰. تسنرنامه که می‌بایست نامه تنسر به گشنشپ می‌نگاشت.

این مورد، نگارنده مرهون لطف دانشور ارجمند، آقای نیما جمالی است که ظن نگارنده درباره خطای مذکور را تصدیق داشت و شرحی کافی در اختیار نگارنده گذاردند که به امانت، نزد راقم این سطور محفوظ است).  
مآخذ طرف اشارت عبارت‌اند از:

Weltecke, Dorothea (2011), "Michael I Rabo", *Gorgias Encyclopedic Dictionary of the Syriac Heritage*, Piscataway, NJ: Gorgias Press, pp. 287-290; Witakowski, Witold (2011), "Historiography, Syriac", *Gorgias Encyclopedic Dictionary of the Syriac Heritage*, Piscataway, NJ: Gorgias Press, pp. 199-203.

۱. دیودوروس سیکولوس که آن را دیودور سیسیلی و دیودوروس سیسیلی توانستن گفت، صورت یونانی نامش Διόδωρος Σικελιώτης (خوانش: Diódoros Sikeliótis) باشد و صورت پیشنهادی ما، منطبق است بر خوانش اصل یونانی نام.

۲. صورت فرنگی نامش Bar-Hebraeus است و در سُرّیانی کلاسیک ܒܪ ܗܒܪܝܐ (با خوانش: Grigorios Bar Ebroyo یا Grīgūriyūs Bar Ebroyo) و در لاتین، Abulpharagiu (خوانش: ابوالفرجوس) می‌نگارندش و درباره نام او، بنگرید به: یوسف رحیم‌لو (بی‌تا)، «ابن عبری»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

۳. به یونانی باستان Πέρσαι (خوانش: Persai) نگاشته آیسخولوس، تراژدی‌نگار یونانی تبار عصر طلایی آتن است و باید آن را در فارسی به ایرانیان برگردان داشت. درباره اقسام برگردان ساختن واژه «پارسی» از زبان یونانی به فارسی، تذکر این نکته لازم است که واژه مذکور از پنج قسم برگردان دیگر از یکدیگر برخوردار است و بحث و فحص درباره هر یک را فرصتی دیگر لازم است.

۴. به یونانی باستان (Αἰσχύλος - خوانش صورت یونانی: Aischýlos) و در انگلیسی آن را Aeschylus نگارند و دو صورت اِشیل و اِسکیْلُس نیز برای آن پیش‌تر به کار رفته‌اند.

۴۱. جولیان که می‌بایست یولیانیوس می‌نگاشت.<sup>۱</sup>
۴۲. جویانیوس که می‌بایست یوویانیوس می‌نگاشت.<sup>۲</sup>
۴۳. والتینیان که می‌بایست والتینیان یا والتینیانوس می‌نگاشت.<sup>۳</sup>
۴۴. والنز که می‌بایست والنس می‌نگاشت.<sup>۴</sup>
۴۵. بون دهشت و بندهشت ایرانی که می‌بایست بُندهشُن می‌نگاشت.
۴۶. ورتراگ مایی که می‌بایست ورتراغنه می‌نگاشت.
۴۷. قومدان که می‌بایست غمدان می‌نگاشت.
۴۸. محمد بن عبدالله عضدی بصری و عضدی که می‌بایست محمد بن عبدالله آزدی بصری می‌نگاشت.
۴۹. طیب الهیبری، طیب هبری، هبری و طیب حبری که می‌بایست طیب الحبری می‌نگاشت.
۵۰. بخلا که می‌بایست البخلاء می‌نگاشت.
۵۱. محمد بن اسیر و ابن اسیر که می‌بایست عزالدین ابوالحسن علی بن محمد جزری شیبانی یا ابن اثیر می‌نگاشت.

۱. یولیانیوس که صورت یونانی نامش Ιουλιανός (خوانش: Ioulianós - یولیانیوس) و صورت کامل نام او در لاتین، Flavius Claudius Julianus باشد و بیشتر در فارسی آن را مأخوذ از زبان فرانسوی، «ژولیانیوس/ژولیان» نیز گویند؛ از این رو در شماری از متون فارسی ژولیانیوس و ژولیان آورده‌اند که با اطلاع از صورت یونانی و لاتین نام مذکور، کاربرد این دو صورت مأخوذ از فرانسه، خالی از اشکال نیست و لازم التصحیح به نظر می‌رسد.

۲. یوویانیوس که صورت کامل نام او در لاتین، Flavius Jovianus باشد و دو صورت پیش‌تر مرسوم نام او در فارسی، یعنی ژوویان و ژوویانوس همانند دو صورت قدیم‌تر نام یولیانیوس که در سطور پیشین بیان شد، مأخوذ از قرائت فرانسه این نام هستند؛ حال که از صورت لاتین نام اطلاع داریم، ضبط صورت لاتین بر صورت مأخوذ از فرانسه تقدم یافته و اصلح به شمار می‌رود.

۳. صورت کامل نام او در لاتین، Flavius Valentinianus و ضبطش در انگلیسی Valentinian باشد و چنان‌که مراد ما بهره‌گرفتن از صورت لاتین باشد، ضبط والتینیانوس تقدم دارد و اگر قصد بر ضبط خوانش انگلیسی باشد، والتینیان با صورت نام در زبان مذکور متجانس‌تر است و به صواب قریب‌تر.

۴. صورت یونانی نامش Ουάλης (خوانش: Ouális) و صورت کامل نام او در لاتین، Flavius Julius Valens باشد و به تاسی از صورت لاتین، باید آن را در فارسی والنس نگاشت.

۵۲. احسان یاشاتر، یار شاطر، ای. یارشاطر که می‌بایست احسان یارشاطر می‌نگاشت.
۵۳. عبدالغیث که می‌بایست عبدالقیس می‌نگاشت.<sup>۱</sup>
۵۴. ابومهجن سقفی و ابومهجن که می‌بایست ابومحجن ثقفی می‌نگاشت.<sup>۲</sup>
۵۵. صلات رسائل که می‌بایست ثلاث الرسائل می‌نگاشت.
۵۶. حیوان که می‌بایست الحيوان می‌نگاشت.
۵۷. رسائل جاحظ که می‌بایست الرسائل للجاحظ می‌نگاشت.
۵۸. فتوح شام که می‌بایست فتوح الشام می‌نگاشت.
۵۹. ای. شاهپور شاهبازی که می‌بایست علیرضا شاهپور شهبازی می‌نگاشت.
۶۰. آثار الباقیه ان قرون الخالیه که می‌بایست آثار الباقیه عن القرون الخالیه می‌نگاشت.
۶۱. وزرا و کتاب که می‌بایست الوزراء و الكتاب می‌نگاشت.
۶۲. محمد بن واثق که می‌بایست محمد بن وصیف می‌نگاشت.
۶۳. آگاتارشید که می‌بایست آگاتارخوس کنیدوسی می‌نگاشت.<sup>۳</sup>
۶۴. کلمنت اهل اسکندریه که می‌بایست کلمنت اسکندرانی یا کلمنت اسکندریه‌ای می‌نگاشت.<sup>۴</sup>

۱. عبدالقیس بن أفضی بن دعمی بن جدیلة بن أسد بن ربیعة بن نزار بن معد بن عدنان و بنی عبدالقیس بدو نسب می‌رسانند. صورت صحیح و توضیحات مأخوذ است از: خلیفه بن خیاط (۱۴۱۴ ه.ق.)، الطبقات، ج ۱، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع - بی‌جا، ص ۳۳۸-۳۳۹؛ أبو عیبیدالله بن محمد المرزبانی (۱۴۱۵ ه.ق.)، أشعار النساء، الناشر: دار عالم الكتب للطباعة والنشر والتوزیع - بی‌جا، ص ۸۹.

۲. نامش را مالک بن حبیب و دیگران عبدالله بن حبیب بن عمرو بن عمیر گفته‌اند. صورت صحیح و توضیحات مذکور مأخوذ است از: ابن عبدالبر (۱۴۱۲ ه.ق.)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۴، بی‌نا - بیروت، ص ۱۷۴۶؛ ابن حجر العسقلانی (۱۴۱۵ ه.ق.)، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۴، الناشر: دار الكتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - بیروت، ص ۱۷۳.

۳. او را در یونانی *Αγαθαρχίδης* (خوانش: Agatharchidis - آگاتارخیدیس) یا *Αγαθαρχος* (خوانش: Agatharchos - آگاتارخوس) می‌گفتند و صورت آگاتارخوس کنیدوسی به صواب قریب‌تر می‌نماید.

۴. او را در یونانی *Κλήμης ὁ Ἀλεξανδρεὺς* (خوانش: Klímis o Alexandréfs) و در لاتین Titus Flavius Clemens گفته‌اند. در فارسی بهین‌تر آن باشد که او را کلمنت اسکندریه‌ای یا کلمنت اسکندرانی خوانیم.

۶۵. آمینیانوس و ماسلینوس که می‌بایست آمیانوس مارسلینوس یا آمیان می‌نگاشت.<sup>۱</sup>
۶۶. التیجان و تیجان که می‌بایست التیجان فی ملوک الحمیر می‌نگاشت.
۶۷. عبولا که می‌بایست الأبله می‌نگاشت.<sup>۲</sup>
۶۸. طبقات المحدثین به اصبهان و الواردين عليها و طبقات المحدثین به اصبهان که می‌بایست طبقات المحدثین باصفهان و الواردين عليها می‌نگاشت.
۶۹. موبد موبدان که می‌بایست موبدان موبد می‌نگاشت.<sup>۳</sup>
۷۰. بصائر الدرجات فی فضائل علی محمد که می‌بایست بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد می‌نگاشت.
۷۱. خسرو عود ریدق و خسرو کوادان عود ریداک ایو که می‌بایست خسرو فبادان و ریدک می‌نگاشت.
۷۲. ذل حاجب، ذوالحیب و بهرام جازویه که می‌بایست بهمن بن جازویه یا ذوالحاجب می‌نگاشت.<sup>۴</sup>

۱. صورت نامش در لاتین Ammianus Marcellinus باشد و Ammian (: آمیان) نیز بازگفته‌اند و آنچه را مترجم آورده، با هیچ‌یک قرابتی نیست.
۲. آن را در یونانی 'Απολόγου 'Εμπόριον' (خوانش: 'Apológou 'Empóriou') گفتند و عرب به الأبله باز می‌خواندند و شهری بوده است بندری، در شرق بصره حالیه که به روزگار اسلامی، به مثابه دروازه تجارت عراق با هند از آن بهره می‌گرفتند. بنگرید به:
- Kramers, J. H. (2000), "Ubullā", *The Encyclopaedia of Islam*, New Edition, Volume X: T-U. Leiden: E. J. Brill. pp. 765-766.
۳. مترجم در برگردان خویش آن را همه جا موبد موبدان (ص ۱۹۳-۱۹۴، ۳۳۰) نگاشته است؛ حال آنکه نگارنده در اصل کتاب، از صورت (p.49,117) mōbadhān mobād̄h برابر با ضبط فارسی «موبدان موبد» بهره می‌برد. هر دو قسم ضبط موبدان موبد و موبد موبدان مسبوق به سابقه‌اند و ایراد وارد از آن روست که صورت ضبط ترجمه را با آنچه نگارنده در اصل انگلیسی آورده، یکسانی نیست و اصل وفاداری به متن رعایت نشده است. برای نمونه از سابقه هر دو صورت ضبط موبدان موبد و موبد موبدان به ترتیب، ر.ک: ابن مسکویه (۱۴۲۴ ه.ق)، تجارب الأمم و تعاقب الهمم، ج ۱، الناشر: دارالکتب العلمیة - بیروت، ص ۶۳؛ ابن عساکر (۱۴۱۵ ه.ق)، تاریخ مدینة دمشق، ج ۲۸، الناشر: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت، ص ۲۹۷.
۴. برخی از پژوهندگان در آنکه ذوالحجاب از القاب بهمن بن جازویه باشد، تشکیک کرده‌اند و روایات اسلامی را در پوته نقد گذارده‌اند. برای اطلاع مضاعف درباره بهمن، ر.ک: صادق سجادی (بی‌تا)، «بهمن جادویه»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۳، تهران: انتشارات مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

۷۳. اسحاق بن ابراهیم مسبی که می بایست ابوالحسن اسحاق بن ابراهیم مصعبی می نگاشت.<sup>۱</sup>
۷۴. حنیف بن لوجیم و حنیفه بن لوجیم که می بایست بنی حنیفه بن لوجیم می نگاشت.<sup>۲</sup>
۷۵. سینمار که می بایست سینمار می نگاشت.<sup>۳</sup>
۷۶. قبیله عیاد که می بایست قبیله ایاد می نگاشت.<sup>۴</sup>
۷۷. تقلیب و تقلب که می بایست بنی تغلب می نگاشت.<sup>۵</sup>

۱. صورت صحیح مأخوذ است از: عبدالحی بن ضحاک گردیزی (۲۰۰۶م)، زین الأخبار، الناشر: المجلس الأعلى للثقافة - قاهره، ص ۱۶۰؛ یزید بن محمد ازدی (۱۴۲۷ه.ق)، تاریخ الموصل، ج ۱، الناشر: دارالکتب العلمیة - بیروت، ص ۶۰۴؛ محسن بن علی تنوخی (۱۳۹۱ه.ق)، نشوار المحاضرة وأخبار المذاكرة، ج ۳، بی جا، بی نا، ص ۱۰۱؛ علی بن عبدالله سمهودی (۱۴۰۵ه.ق)، جواهر العقدين فی فضل الشرفین، ج ۲، الناشر: مطبعة العانی - بغداد، ص ۲۹۲؛ محمد بن علی ابن ازرق (۱۴۲۷ه.ق)، بدائع السلك فی طبائع الملک، ج ۲، الدارالعربیة للموسوعات - بیروت، ص ۱۷۶.
۲. که آن را بنی حنیفه نیز گویند و از قبایل بزرگ عدنانی و منسوب به بکر بن وائل باشد. صورت صحیح و توضیح مأخوذ است از: محمد بن سلام جمحی (۱۴۰۰ه.ق)، طبقات فحول الشعراء، ج ۲، الناشر: دارالمدنی - جدّه، ص ۷۴۰؛ هود بن محکم هواری (بی تا)، تفسیر کتاب الله العزیز، ج ۱، الناشر: دارالبصائر - الجزایر، ص ۴۸۹؛ عبدالله بن مسلم ابن قتیبه (۱۴۲۳ه.ق)، الشعر و الشعراء، ج ۱، الناشر، دارالحدیث - قاهره، ص ۳۶۸؛ مسعود بن محمد سجلماسی فاسی (۱۴۳۱ه.ق)، نفائس الدرر من أخبار سید البشر، ج ۴، مرکز الدراسات و الابحاث و احیاء التراث - رباط، ص ۱۰۵۲؛ محمد بن حمد بسام (۱۴۳۱ه.ق)، الدرر المفاخر فی أخبار العرب الأواخر (قبائل العرب)، بی نا - بی جا، ص ۳۰۴؛ احمد بن علی مقریزی (۱۴۲۰ه.ق)، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، ج ۱۴، دارالکتب العلمیة - بیروت، ص ۵۲۸.
۳. برای اطلاع از صورت ضبط نام مذکور و حکایت جزاء سنمار و داستان بنای کاخ خورنق، بنگرید به: عبدالحجه بلاغی (بی تا)، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ج ۷، قم: چاپخانه حکمت، ص ۳۶۷؛ محمد حسین طباطبایی (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ترجمه محمد باقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۵۳۸؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی (۱۴۲۰ه.ق)، محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء، ج ۲، الناشر: شركة دارالأرقم بن أبی الأرقم - بیروت، ص ۶۲۳؛ عبدالله بن عیسی بیگ افندی (۱۴۰۱-۱۴۰۳ه.ق)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ص ۴۱۷؛ محمد بن ولید طرطوشی (۱۴۱۵ه.ق)، سراج الملوک، الناشر: دارالعاذریة للطباعة و النشر - ریاض، ص ۵۴.
۴. از قبایل مشهور عرب که نسب ایشان به ایاد بن نزار بن معد بن عدنان می رسد و از القاب ایشان الطبقی باشد. صورت صحیح و توضیحات مأخوذ است از: احمد بن یحیی بن جابر بن داود البلاذری (۱۴۱۷ه.ق)، جمل من أنساب الأشراف، ج ۱، الناشر: دارالفکر - بیروت، ص ۲۸.
۵. از قبایل مشهور عرب که نسب به ربیع و سپس به واسطه او نسب به عدنان می رساندند. صورت صحیح و توضیحات مأخوذ است از: ابن کلبی (بی تا)، جمهرة النسب، ج ۱، الناشر: عالم الکتب - بی جا، ص ۵۶۴.

۷۸. قوزائه که می‌بایست بنی قضاعه می‌نگاشت.<sup>۱</sup>
۷۹. بن احرار که می‌بایست بنی الاحرار می‌نگاشت.<sup>۲</sup>
۸۰. بن فدام که می‌بایست بنی الفدام می‌نگاشت.<sup>۳</sup>
۸۱. ابوالسلط که می‌بایست ابی الصت می‌نگاشت.
۸۲. عبدالحامد که می‌بایست عبدالحمید بن یحیی می‌نگاشت.<sup>۴</sup>

۱. از جمله قبایل عرب است که درباره نسبش اختلاف باشد و از این حیث نمی‌توان نسبی را به قطع برای ایشان ذکر کرد؛ ولی برای سلسله نسب بنی قضاعه بن معد بن عدنان ر.ک: محمد بن قاسم ابن انباری (۲۰۱۰م)، ایضاح الوقف و الإبتداء فی کتاب الله عزوجل، الناشر: دارالکتب العلمیة - بیروت، ص ۵۲؛ همچنین برای آگاهی از سلسله نسب بنی قضاعه بن مالک بن حمیر، ر.ک: هاشم عثمان (۱۳۸۲)، تاریخ شیعه در شام، ترجمه حسن حسین زاده شانه‌چی، مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۵۳. جمعی در طبقات فحول الشعراء معتقد است بنی قضاعه بن مالک بن حمیر صحیح است، ر.ک: محمد بن سلام جمحی (۱۴۰۰ه.ق)، طبقات فحول الشعراء، ج ۱، الناشر: دارالمدنی - جده، ص ۲۷. نگارنده‌ای دیگر نیز نسب قضاعه بن مالک بن حمیر را معروف و بلاانکار دانسته است، ر.ک: مصعب بن عبدالله بن مصعب الزبیری (بی‌تا)، کتاب نسب قریش، الناشر: دارالمعارف - قاهره، ص ۵؛ نیز همو در ص ۵ گوید: «مغاله وقیل معانة بنت جوشم بن جلهمة بن عامر بن عوف بن عدی بن دب بن جرهم». نگارنده‌ای دیگر یعنی ابن دبیع، از جدی جاهلی به نام حی بن خولان بن عمرو بن الحاف بن قضاعه سخن می‌گوید و او را از بنی کهلان و دارای نسب قحطانی دانسته است، ر.ک: عبدالرحمن بن علی ابن دبیع (۱۴۱۳ه.ق)، نشر المحاسن الیمانیة فی خصائص الیمن و نسب القحطانیة، الناشر: دارالفکر و المعاصر - بیروت، ص ۱۴۳. به جز اینها بسیار نگارندگان دیگر درباره انتساب بنی قضاعه به عدنان و برخی دیگر به قحطان ذکرها و گزارش‌های پرشماری آورده‌اند که نقل و سنجش ایشان خارج از موضوع ماست و به همین موارد بسنده می‌کنیم.

۲. ایشان را مطابق نقل ذاکری از روایات و گزارش‌های ابوالفرج اصفهانی، در صنعا «بنی الاحرار»، در یمن «الابنا»، در کوفه «الحمیره»، در جزیره (میان رودان) «الخضارمه» و در شام «الجراجیمه» گفته‌اند، بنگرید به:

Zakeri, Mohsen (1995), *Sāsānid Soldiers in Early Muslim Society*, Otto Harrassowitz Verlag, p. 98.

۳. برای مثال در لسان العرب شعری است از قول «بُکیر أَصَمُّ بَنی الحرث بَن عَبَاد» و از ابیات آن «عَرَباً ثَلَاثَةُ أَلْفٍ، وَکِتَابَةُ أَلْفَيْنِ أَعْجَمَ مِنْ بَنی الْقَدَامِ» باشد که شعرانی درباره آن گوید: «این بیت را در لسان العرب نسبت به بکیر اصم بنی الحارث بن عباد داده است، در وصف لشکری است که پنج هزار تن بودند، سه هزار عرب و دوهزار عجم از بنی الفدام و فدام خرقة‌ای است که گیران بر دهان می‌بستند»، ر.ک: ابن منظور (۱۴۱۴ه.ق)، لسان العرب، ج ۹، الناشر: دار صادر - بیروت، ص ۹؛ ابوالحسن شعرانی (۱۳۸۶)، پژوهش‌های قرآنی علامه شعرانی رحمه الله در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین، ج ۱، به اهتمام سید محمدرضا غیائی کرمانی، قم: بوستان کتاب قم، ص ۱۸۸.

۴. مقصود ابوغالب عبدالحمید بن یحیی بن سعد کاتب بغدادی انباری عامری، مولای بنی عامر لوی است. صورت صحیح و توضیح‌ها مأخوذ است از: عمر رضا کحاله (۱۳۷۶ه.ق)، معجم المؤلفین تراجم مصنفی

۸۳. یزید بن حبیب که می بایست یزید بن ابی حبیب مصری می نگاشت.<sup>۱</sup>

۸۴. میمون بن قیس الاعشی که می بایست ابوبصیر میمون بن قیس بن جندل بن شراحیل، اعشی قیس یا الاغشی می نگاشت.

۸۵. سرید بن ابی کاهل که می بایست سوید بن ابی کاهل می نگاشت.<sup>۲</sup>

۸۶. خالد بن عرفوط که می بایست خالد بن عرفطه می نگاشت.<sup>۳</sup>

۸۷. نفویل بن حبیب که می بایست نوفیل بن حبیب می نگاشت.<sup>۴</sup>

الکتب العربية، ج ۵، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ص ۱۰۶؛ همچنین زرکلی جدش را آزادشده علاء بن وهب عامری و خود عبدالحمید را موالی علاء بن وهب عامری و بدین سبب منسوب به بنی عامر می داند، ر.ک: خیرالدین زرکلی (بی تا)، الأعلام، ج ۳، الناشر: دار العلم للملایین - بیروت، ص ۲۹۰.

۱. از غلامان بنی عامر بن لؤی است و او را در زمره تابعین آورده اند. صاحب تاریخ الثقات او را در شمار راویان ثقه آورده است، بنگرید به: احمد بن عبدالله عجلی (۱۴۰۵ ه.ق)، تاریخ الثقات، الناشر: دار الباز - بی جا، ص ۴۷۸؛ برای پاره ای از روایات صورت پذیرفته از او و سلسله روایان آن روایات، بنگرید به: البردیجی (بی تا)، طبقات الأسماء المفردة من الصحابة والتابعین وأصحاب الحديث، الناشر: طلاس للدراسات والترجمة والنشر - بی جا، ص ۶۶؛ جلال الدین عبدالرحمن السیوطی (بی تا)، حسن المحاضرة فی أخبار مصر والقاهرة، ج ۱، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ص ۱۵۵؛ ابن ماکولا (۱۳۸۳ ه.ق)، الإكمال فی رفع الإتیاب عن المؤلف والمختلف فی الأسماء والکنی والأنسب، ج ۲، الناشر: مجلس دائرة المعارف العثمانیة - الهند، ص ۲۰.

۲. نسبی را چنین گفته اند: «سوید بن ابی کاهل بن حارثة بن حسل بن مالک بن عبد سعد بن چشم بن ذبیان بن کنانة بن یشکر». ابوالفرج اصفهانی جز این نسب، از گفته خالد بن کلثوم خبر داده است و نام پدر سوید را شیبب آورده و سوید را مکنی به ابا سعد دانسته است؛ بنگرید به: ابوالفرج الإصفهانی (۱۴۱۵ ه.ق)، الأغانی، ج ۱۳، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت، ص ۷۱؛ جز آن خبر داده است که مادر سوید پیش از ابی کاهل با رجلی بود از بنی ذبیان و چون او بمرد، با ابی کاهل ازدواج نمود و در آن هنگام از همسر پیشین خویش آبتن بود و ابی کاهل نسب خویش را به سوید داد و چون سوید با بنی یشکر به طریق ناسازگاری می رفت، پیوسته بنی ذبیان را به یاری می خواست؛ بنگرید به: همان، ج ۱۳، ص ۱۰۳. الصفدی با یک مورد اختلاف در ذکر اسامی پدران سوید، نسبی را چنین آورده است: «سُوید بن ابی کاهل شیبب بن حارثة بن حَنْبَل بن مالک بن عبد سعد بن چشم ابن ذبیان بن کنانة بن یشکر» و پدرش ابی کاهل را از شعرای جاهلی گفته است؛ بنگرید به: صلاح الدین خلیل بن اَبیک بن عبدالله الصفدی (۱۴۲۰ ه.ق)، الوافی بالوفیات، ج ۱۶، الناشر: دار إحياء التراث - بیروت، ص ۳۰. ابن حجر العسقلانی هم در نسب در سوید با ابوالفرج اصفهانی هم عقیده است؛ بنگرید به: ابن حجر (۱۴۱۵ ه.ق)، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۳، الناشر: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - بیروت، ص ۲۲۲.

۳. درباره ضبط نام خالد بن عرفطه و نقشش در حادثه کربلا، بنگرید به: محمد محمدی ری شهری (۱۳۸۸)، دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۳، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ص ۲۸۹.

۴. بنگرید به: ابن کلبی (۱۴۰۸ ه.ق)، نسب معد والیمن الکبیر، ج ۱، الناشر: عالم الکتب، مکتبة النهضة العربیة، بی جا، ص ۳۶۱.

۸۸. سع سع بن ناجیه بن اقالم جاشعی که می بایست صعصعه بن ناجینه بن عقال مجاشعی می نگاشت.<sup>۱</sup>
۸۹. الاسقلانی که می بایست احمد بن علی بن حجر العسقلانی یا العسقلانی می نگاشت.
۹۰. ضراتخانه که می بایست زرادخانه یا قورخانه می نگاشت.
۹۱. تصحیح، ویرایش، مصححان و مصحح که می بایست ویراست یا ویراسته می نگاشت.<sup>۲</sup>
۹۲. سیرت النبی و السیر النبوی و ظهور که می بایست سیره النبی می نگاشت.
۹۳. امیر بن شریبیل لشعبی که می بایست عامر بن شراحیل شعبی می نگاشت.<sup>۳</sup>
۹۴. سلمان بن مسلم عتبی که می بایست ابوالمنذر سلمه بن مسلم بن ابراهیم عوتبی صحاری می نگاشت.
۹۵. انصاب العرب که می بایست الأنساب می نگاشت.
۹۶. ابوالبقا حبه الله هلی که می بایست اَبی البقاء هبة الله الحلی می نگاشت.
۹۷. جذور التریخیه للشعوبیه که می بایست جذور التاریخیه للشعوبیه می نگاشت.
۹۸. جوز الثامن که می بایست الإکلیل من أخبار الیمن و أنساب حمیر می نگاشت.

۱. صورت صحیح مأخوذ است از: ابن اثیر (۱۴۱۵ ه.ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۳، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ص ۲۲.
۲. ویراست یا ویراسته، صورتی است که در فارسی به جای Editor/ Editors به کار می برند و مقصود از آن اشاره به فرد یا افرادی است که ویراستاری کتابی را برعهده داشتند. مترجم اما در برگردان خویش همه جا به خط این اصطلاح را به طُرُقی ناهمسان به فارسی برگردان داشته است و در موارد گونه گون، از صورت های تصحیح، مصححان و مصحح به جای اشکال صحیح مذکور بهره برده است و به نظر می رسد مترجم در تمایز فن تصحیح نسخ از ویراستاری مجموعه های مقالات دچار خطا گردیده باشد؛ چراکه در مواردی به جا از صورت های مذکور برای اشاره به مصححان متون کهن، به کار برده است.
۳. صورت صحیح مأخوذ است از: أبوعبید البکری (بی تا)، سمط اللالی فی شرح أمالی القالی، ج ۱، الناشر: تصویر دار الکتب العلمیة - بی جا، ص ۷۵۱؛ دینوری او را از کاتبان عبدالله ابن مطیع العدوی، عبدالله بن یزید الخطمی و عامل ابن زبیر در کوفه دانسته است، ر.ک: عبدالله بن مسلم ابن قتیبه (۱۹۶۰ م.)، المعارف، ج ۱، الناشر: بی تا - قاهره، ص ۴۵۰. افزون بر اینها بنگرید به: ابن حبان (۱۳۹۳ ه.ق)، الثقات، ج ۵، الناشر: دائرة المعارف العثمانیة بحیدرآباد الدکن الهند، ص ۱۸۵.

۹۹. جاشوا استیلی که می بایست یوشع ستون نشین می نگاشت.<sup>۱</sup>

۱۰۰. حزیفه بن مهسان و حزیفه که می بایست حذیفه بن یمان می نگاشت.

(ب) مصادیقی چند از خطاهای مترجم در ترجمه اصطلاحات، عبارات و جملات

۱. پیشااسلامی: در اصل انگلیسی نگارنده از اصطلاح pre-Islamic (p.6) تمتع جسته و مترجم در برگردان خویش آن را، قبل از اسلام (ص ۳۷) آورده است؛ حال آنکه به عقیده راقم این سطور، بهره گرفتن از عبارت پیشااسلامی، در ترکیب پیش گفته پسندیده تر می نماید.

۲. نزدیک ترین: در اصل انگلیسی نگارنده از واژه recent (p.6) بهره گرفته است که عبارت مذکور چنین است:

was the most recent pre-Islamic past ...

و مترجم در برگردان خویش به گونه ای مغلوط آن را «این دوره تاریخی جدیدترین گذشته قبل از اسلام است» آورده و جز خطای پیش تر متذکر شده در مورد شماره ۱ از بخش «ب»، recent را جدیدترین (ص ۳۷) برگردان داشته که به عقیده صاحب این قلم، ترجمه «نزدیک ترین» یا «متأخرترین» برای آن به صواب قریب تر است و نیکوتر.

۳. خلفای نخستین عباسی: در اصل کتاب، نگارنده از اصطلاح early 'Abbasid Caliphates (p.8) بهره برده است که مترجم در برگردان خویش آن را به صورت، خلفای اولیه عباسی (ص ۴۱) آورده است و این صورت در مقایسه با خلفای نخستین عباسی، مغلوط است و نادرست. بهین آن باشد که از صورت خلفای نخستین عباسی برای این اصطلاح تمتع بجوییم.

۱. ستون نشین را در یونانی  $\sigma\tau\upsilon\lambda\acute{\iota}\tau\eta\varsigma$  (خوانش: stylitis) گفته اند و ایشان قدیسان بودند که زندگی خویش را بر روی یک ستون سپری می کردند، به موعظه می پرداختند و روزه می گرفتند. از مشهورترین قدیسان ستون نشین، شمعون پیر بود که در سال ۴۲۳ م. بر ستونی سکنی گزید و تا زمان مرگش، به مدت ۳۷ سال بر فراز آن ستون زیست. برای اطلاع بیشتر درباره قدیسان ستون نشین و شمعون پیر، بنگرید به:

Harvey, S. Ashbrook (1988), "The Sense of a Stylite: Perspectives on Simeon the Elder", *Vigiliae Christianae*, Vol. 42, No. 4, pp. 376- 394; Boero, D. (2019), "Making a Manuscript, Making a Cult: Scribal Production of the Syriac Life of Symeon the Stylite in Late Antiquity", *Dumbarton Oaks Papers*, Vol. 73, pp. 25- 64.

۴. حلقه‌های مشترک: از جمله اصطلاحات و شیوه‌های مرسوم در حدیث‌شناسی و روایت‌شناسی غربی است که مترجم در برگردان خویش برای این اصطلاح که در اصل انگلیسی، نگارنده نیز به غلط آن را agency (p.12) آورده، به خطا رفته و مترجم هم ترجمه واسطه‌گری (ص ۴۸) را برای آن ارائه کرده است؛ حال آنکه حلقه‌های مشترک را در انگلیسی common link می‌گویند.<sup>۱</sup>

۵. فارس: مترجم در برگردان خویش یک مرتبه برای اشاره به سرزمین فارس، از صورت پارس (ص ۱۱۶) بهره برده است و نظر به کاربرد صورت Fārs (p.65) در اصل انگلیسی، مترجم می‌بایست در برگردان نیز صورت فارس را باز می‌نگاشت.

۶. اشراف/ بزرگان/ نجبا: در اصل کتاب نگارنده از اصطلاح dihqān بهره گرفته است و برای تحصیل معنای آن توسط مخاطبان خویش، در پراثرهایی مقابل اصطلاح مذکور، از عبارت landed magnate استفاده نموده است (p.16). مترجم در برگردان خویش به خطایی که احتمالاً ناشی است از مطالعه کتب تحریر یافته به قلم طرفداران یا تأثیرپذیرفتگان از ماتریالیسم تاریخی مارکس یا جز از آن، به واسطه خطای شخصی خویش، به دلیل ناآزموده بودن در تمایزبخشیدن صورت زمین‌داری ایرانی از زمین‌داری اروپایی رایج در قرون وسطی، برای اصطلاح مذکور از برگردان به غایت مغلوپ، فئودال‌های زمین‌دار (ص ۵۶) بهره برده است.

۷. صُهیب الرومی: صُهیب بن سنان و گویند که خانواده او در خدمت شاهنشاهی ساسانی بودند و چون از کودکی در روم به اسارت پرورش یافته بود، به صُهیب رومی اشتهار یافت و عبدالله جدعان را آزاد کننده صُهیب از بردگی دانسته‌اند.<sup>۲</sup> نامش را در زمره مجاهدان غزوات بدر، احد و خندق آورده‌اند<sup>۳</sup> و جز آن ابن سعد گوید که در هنگام بستری شدن عمر، امامت مردم را بر عهده داشت و بر پیکر عمر نیز نماز گذارد.<sup>۴</sup> باری نگارنده در نسخه انگلیسی درباره او گوید:

۱. برای اطلاع فزون‌تر درباره «حلقه مشترک» و دیگر موارد طرح شده مربوط به آن بنگرید به: سیدعلی آقایی (۱۳۹۱)، «حلقه مشترک و پیوند آن با اصطلاحات حدیثی»، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، سال هشتم، ش ۱۵، ص ۵۹-۹۸.  
۲. ر.ک: ابن اثیر (۱۴۱۵ ه.ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۲، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ص ۴۱۸.  
۳. ر.ک: ابن سعد (۱۴۱۰ ه.ق)، الطبقات الکبری، ج ۳، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ص ۱۷۲.  
۴. ر.ک: همان، ج ۳، ص ۱۷۳.

Salmān, the Ethiopian Bilāl b. Ribāh, and the Greek Ṣuhayb al- Rūmī are referred to as the Sābiqūn, i.e., the first three non- Arab converts to Islam (p. 158).

و مترجم در برگردان خویش چنین آورده است: «از سلمان، بلال بن رباح حبشی و سهیب رمی-یونانی با عنوان "سابقون" یاد می شود، یعنی سه غیرعربی که اول اسلام آوردند» (ص ۲۴۲).

حال آنکه در ترجمه سطر مذکور به طریق خطا رفته است و می بایست آن را چنین برگردان می داشت: «سلمان، بلال بن رباح حبشی و سهیب الرومی یونانی را "السابقون" خواندند، بدان جهت که سه غیرعربی بودند که پیش از دیگر غیرعرب، اسلام آوردند».

افزون بر این، مترجم در برگردان خویش، در ضبط نام سهیب و مواردی دیگر به خطا رفته است.

۸. السابقون: در اصل انگلیسی، نگارنده از Sābiqūn (p.158) بهره جسته است و مترجم در برگردان خویش سابقون (ص ۲۴۲) آورده است؛ حال آنکه صورت السابقون به نظر برای این مورد به صواب قریب تر می نماید.

۹. اواخر عهد باستان: اصل انگلیسی اصطلاح مذکور Late antiquity است که در فارسی برابر نهادهای اواخر عهد باستان و دوران باستان متأخر برای آن معمول تر باشد و پرکاربرد؛ ولی مترجم کتاب اعراب و ایرانیان در سراسر برگردان خویش، در ترجمه اصطلاح مذکور به طُرُقِی ناصواب از اقسام پُراشکالِ عهد عتیق متأخر، دوران متأخر، عهد عتیق، اواخر عهد عتیق و پایان عهد عتیق بهره برده است.

۱۰. فُرس: در اصل انگلیسی کتاب نگارنده از صورت Furs (p.5) برای اشاره به ایرانیان به کار برده است که مترجم در برگردان خویش این ضبط را به خطا، فارس (ص ۳۵) آورده است.

۱۱. حَجّاج بن یوسف ثقفی: از امرای شهیر عرب و روزگار اموی است که در تاریخ به ظلم و ستمگری شهرت داشت.<sup>۱</sup> مترجم در عبارتی که از آن برگردانی مغلوط به دست داده

۱. درباره حجّاج بن یوسف بن حکم بن ابی عقیل ثقفی ر.ک: ستار عودی (بی تا)، «حجّاج بن یوسف ثقفی»، دانشنامه جهان اسلام، نسخه آنلاین.

است، صورت نام این امیر را امیرالحجاج بن یوسف أموی (ص ۳۸۰) آورده است. اصل عبارت مذکور چنین است:

This is clearly a trope, as it echoes the same challenge which the Umayyad amīr alHajjāj b. Yūsuf posed to his generals Qutayba b. Muslim and Muḥammad b. alQāsim (p. 121).

که مترجم در برگردان خویش آن را چنین آورده است: «این به روشنی یک استعاره است، زیرا همان چالشی را تکرار می‌کند که امیرالحجاج بن یوسف أموی بر سردارانش قتیبه بن مسلم و محمد با قاسم عرضه کرد» (ص ۳۸۰).

با وجود آنکه می‌بایست عبارت فوق را بدین سیاق برگردان می‌داشت: «واضحاً این مورد یک استعاره (سنت ادبی) است، از آن سبب که امیر أموی، حجاج بن یوسف ثقفی نیز سبب ساز چنان رقابتی میان سرداران خویش قتیبه بن مسلم و محمد بن قاسم [ثقفی] بود».

گویا مترجم در برگردان عبارت پیش‌گفته که اساساً از توضیحات مندرج در پانویس‌های کتاب است (number 16, p.121)، به اصل متن رجوعی نداشته است و متوجه مقصود نگارنده از پانویس مذکور نشده است.

۱۲. کوست: از نتایج اصلاحات روزگار خسرو انوشیروان، تقسیم ایران به چهار کوست بود و این کوست‌ها مطابق مندرجات متن پهلوی شهرستان‌های ایران‌شهر عبارت‌اند از: کوست خوربران، کوست نیمروچ (نیمروز)، کوست خورآسان (خراسان) و کوست آذربایگان (کپکوه یا آپاختر).<sup>۲</sup>

در اصل متن انگلیسی نگارنده از دو اصطلاح provinces (p.103) و fourfold division (p.198) بهره گرفته است که مورد نخست را در فارسی بتوان به استان‌ها و دیگری را تقسیمات چهارگانه برگردان داشت؛ حال آنکه مترجم برای مورد نخست از ولایت (ص ۱۶۸) و دیگری

۱. چنان‌که بلاذری گوید «محمد بن القاسم بن محمد بن الحکم بن اَبی عقیل» است و نسبش در حکم بن اَبی عقیل با حجاج اشتراک دارد و عموزاده اوست. برای آگاهی از نسبش، ر.ک: البلاذری (بی‌تا)، فتوح البلدان، ج ۳، الناشر: مكتبة النهضة المصرية - القاهرة، ص ۵۳۴.

۲. ر.ک: احمد تفضلی (۱۳۹۸)، «شهرستان‌های ایران»، مقالات احمد تفضلی، گردآورنده: ژاله آموزگار، تهران: نشر توس، ص ۲۸۳-۳۰۷؛ توح دریاپی (۱۳۸۸)، شهرستان‌های ایران‌شهر، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: نشر توس، ص ۲۱-۲۶.

چهار بخش (ص ۴۲۶) تمتع جسته و این خطای نخست اوست. دیگر آنکه در اصل متن، ضمن ارجاع شماره ۱۳۲ از فصل هفتم (p.198)، نگارنده چنین آورده است:

On the fourfold division of the Sasanian state, see p. 103.

و در واقع مقصود نگارنده از صفحه ۱۰۳، صفحه مذکور در همان کتاب است و متأسفانه مترجم نیز عیناً در برگردان خویش چنین آورده است (ص ۴۲۶): «در مورد تقسیم دولت ساسانی به چهار بخش رجوع شود به صفحه ۱۰۳».

حال آنکه صفحه ۱۰۳ نسخه انگلیسی برابر است با بخش هایی از مندرجات صفحات ۱۶۷-۱۶۸ ترجمه فارسی!

۱۳. اساوره: صورت جمع مکسر عربی است<sup>۱</sup> برای مفرد پهلوی (oswār(i) یا eswār(i) که در اصل کتاب نگارنده در بعضی مواقع از آن برای اطلاق بر سواره نظام ایرانی در عصر ساسانی بهره برده است؛ حال آنکه مترجم در برگردان خویش، بدون اطلاع در پی نوشت یا تذکر به خوانندگان، به اجتهاد و رأی خویش صورت مذکور را گاهی حفظ و در موارد دیگر با برابرهاده فارسی همانند سواره نظام جایگزین کرده است؛ برای مثال در دو مورد سواره نظام (ص ۲۶۳، ۳۰۶) است و جز آن، اسواران را نیز به همین سیاق به سواره نظام (ص ۱۸۹) برگردان کرده است.

۱۴. تجملات و تزئینات/ زرق و برق: نگارنده در اصل کتاب از واژه (p. 30) trappings تمتع جسته و این واژه را مترجم در برگردان خویش کب کبه و دب دبه (ص ۶۹) نگاشته است که اساساً صوتی است نامأنوس. هرچند مفهوم آن با معنای واژه مذکور ارتباطی می یابد؛ اما با در نظر آوردن بافت متن و آنچه از آن برداشت می گردد، مترجم در گزیدن معادل فارسی به خطای ناصواب رفته و مواردی نظیر تجملات و تزئینات یا زرق و برق، به عقیده راقم این سطور بهین تر باشند.

۱۵. عمل بیان: تئوری است بسیار مشهور در حوزه زبان شناسی و فلسفه زبان که در انگلیسی آن را speech act گویند.<sup>۲</sup> مترجم در برگردان خویش، بدون اطلاع از مفهوم و معنای واژه

1. Bosworth, C. E. (1987), "ASĀWERA", *Encyclopaedia Iranica*, Vol. II, Fasc. 7, pp. 706-707.

۲. درباره تئوری عمل بیان، ر.ک:

Dorschel, A. (1989), "What is it to understand a directive speech act?", In: *Australasian Journal of Philosophy*,

Vol. 67, NO. 3, pp. 319-340; Searle, J. (1969), *Speech Acts*, Cambridge: Cambridge University Press.

به کاررفته در متن پیش، اسیچ اکت (ص ۴۰) را به مثابه معادلی برای عمل بیان در فارسی آورده است که حتی اگر این صورت را ناشی از تلاش مترجم در آوانگاری تلفظ واژه مورد بحث هم بینداریم، امری است خطا، چراکه تلفظ این واژه در انگلیسی 'akt, spēCH است.

۱۶. مهر برجسته/مهر برجسته‌هایی: نگارنده در اصل انگلیسی واژه bullae را به کار برده است (p. 120) و معنای آن مهر برجسته است و جز آن، چنان‌که به ارجاعاتی که برای توضیحات خویش برشمرده است رجوع شود، پرواضح این مآخذ درباره مهر برجسته‌هایی سخن می‌گویند که از آن سپهبدان و دیگر صاحب منصبان روزگار ساسانی است. مترجم در برگردان خویش این واژه را بولتن‌هایی (ص ۳۷۷) آورده و آن را با واژه Bulletins خلط کرده است.

۱۷. برای مثال مترجم در برگردان خویش آورده است (صص ۳۵۱-۳۵۲): «این افسانه در اوستا ریشه دارد که شرح می‌دهد چگونه ریبتائونا دیو آژیدهاک می‌کشد (به پهلوی میانه: فریدون)»

حال آنکه این جمله در اصل انگلیسی کتاب چنین است (p. 77):

This legend is rooted in the Avesta, which describes how the monster Aži Dahāka is killed by Oraētaona (Middle Persian: Farīdūn).

و قیاس میان آنچه در نسخه انگلیسی و برگردان فارسی آمده، به راستی روشن می‌دارد که مترجم تا چه اندازه در ارائه برگردانی پیراسته از این جمله عاجز مانده است؛ حال آنکه می‌بایست چنین می‌نگاشت: «این افسانه را ریشه در اوستاست که چگونگی از میان رفتن آژی دهاک دیوسرشت به دست فریدون (فارسی میانه: فریدون) را تشریح می‌دارد.»

۱۸. در جایی دیگر مترجم چنین آورده است (صص ۳۶۳-۳۶۴): «سنگ نوشته دوزبانه پارسی میانه و پایکولی پارتی حاکم لخمیان را به عنوان یکی از رعایای نرسی، پادشاه ساسانی ذکر می‌کند»

و در اصل انگلیسی کتاب (p. 96) آمده است:

The bilingual Middle Persian and Parthian Paikuli inscription mentions one “Amr King of the Lakhmids” as one of the Sasanian King Narseh’s vassals.

و این برگردان دوم نیز در قیاس با اصل انگلیسی پُرخطاست و می‌بایست چنین می‌بود: «سنگ‌نوشته دوزبانه فارسی میانه و پارسی پاپیکولی، از یک [تن موسوم به] "عمرو شاه لخمیان"، به مثابه یک [تن] از خراج‌گذاران [یا دست‌نشانندگان] نرسه، شاهنشاه ساسانی، یاد داشته است».

### مؤخره

باید اذعان داشت اشکال‌ها و نقایص بی‌شمار کتاب اعراب و ایرانیان بر اساس روایت فتوحات اسلامی محدود به موارد طرح‌شده فوق نیست و چنان‌که بخواهیم جمیع اشکال‌ها را بیان داریم، این امر خود نیازمند رساله‌ای باشد دیگر و مفصل‌تر. چنان‌که می‌توان بر این سیاهه که از نظر خوانندگان گذشت، مواردی همانند آوردن عربی در عوض عرب، جلندا در عوض جلندی، افرم در عوض افرام، طویع در عوض تُبع، طویح در عوض طلیحه، سی.اس. باسورس در عوض کلیفوراد ادموند بازورث، عصر طلایی ایرانیان: اعراب در شرق در عوض عصر زرین فرهنگ ایران، ابن‌اساکر در عوض ابن‌عساکر، ابن‌الدوله در عوض ابناءالدوله، یمامی در عوض یمانی یا عرب اکاسره قحطانی، قسانی در عوض غسانی، خلط خسرو دوم نامور به پرویز با پیروز یکم در ترجمه نام ایشان، حذف صورت هیاطله در برگردان فارسی و آوردن هفتالیان در عوض آن، غُرر در عوض غررالاحکم و دُررُالکلم، ویستهم (گستهم) و بندوی را عموهای خسرو پرویز دانستن، حال آنکه ایشان دایی‌های او هستند، خلیدی در عوض رشید خالدی، غلنسه در عوض قَلْنَسُوَه، غلانیس در عوض قَلانِس یا قَلانِیس، ابولوء لوء در عوض ابولولو یا ابولؤلؤ، فرکلروی و فوکلور در عوض فولکلور یا فرهنگ عامه، سگزی‌ها در عوض سغدی‌ها، سیریاک در عوض سُریانی، رسائل اخوان الصفا در عوض رسائل إخوان الصفاء و خِلان الوفاء، نبرد زنجیرها در عوض نبرد زنجیر، اکاسرا در عوض اکاسره، گئورگ فیشر در عوض گرگ فیشر، ارماعیل در عوض ارمایل، چیونی در عوض خیونی، دانیل پاتز در عوض دنیل تَماس پاتس، امپراتوری ساسانی در عوض شاهنشاهی ساسانی، راشدیون در عوض راشدین، عربیسم در عوض عرب‌گرایی یا پان عربیسم، دلمون در عوض دیلمون، عمر بن شاس در عوض عمرو بن شأس، ابن‌عباس در عوض بنی‌عباس، بنویشکور در عوض بنی‌یَشْکُر، عذد در عوض قبیلۀ اُزد، کیندا در عوض قبیلۀ کِنْدَه، ای طیب در عوض عبدالله الطیب، پرچم کابی در عوض درفش کاویانی، هلوان در عوض حُلوان، یعروب بن قحطان در عوض یعرب بن

قحطان، ابن خلیکان در عوض ابن خَلِکَانَ، بنی بوغیله در عوض بنی عُقَیل، ابن الفرس در عوض ابناء الفرس، انصاب‌ها در عوض انساب یا نسب‌ها، کینگ عبدالعزیز در عوض ملک عبدالعزیز، گوتینجن در عوض گوتینگن، ابوحریره در عوض ابوهریره، مخدرم در عوض مُخَضْرَم، حامرز در عوض هامرز، بزرگ‌مهر در عوض بزرگمهر، ربیع بن نصر لخمی در عوض ربیعه بن نصر لخمی، ابراهیم ممشاد اصفهانی در عوض ابراهیم بن ممشاد اصفهانی، قهتبا بن شیبب در عوض قحطبه بن شیبب طانی، قسطنطینه در عوض قسطنطیه، ای. تفضلی در عوض احمد تفضلی، آل مسیگون در عوض لویی ماسینیون، آدام طلیب در عوض آدم طالب، فیلیپ ودد در عوض فیلیپ وود، فارنا در عوض فَرَه، فَر، خورننگه یا خورنه، یزید بن حارثه در عوض یزید بن حارث، ان آسمن در عوض یوهان کریستف آسمن، امیل دورکهایم در عوض امیل دورکیم، جان وانزبورگ در عوض جان وانسبرو، آلدراخت ان. او. تی. اچ. در عوض آلبرشت نوت، ماریلن والدمن در عوض مریلن والدمن، اویاتار زروباوال در عوض اویتر زروپیول، سابات در عوض ساباط، مخزون بن هانی مخزونی در عوض مخزوم بن هانی مخزومی، آرتور کریستن سن و کریستنسن در عوض آرتور امانوئل کریستنسن یا کریستنسن، جوزف ویسهوفر در عوض یوزف ویزه‌هوفر، ابولولو سودآور در عوض ابوالعلاء سودآور، جی. گنولی در عوض گرادو نیولی، جی. وایدن گرن در عوض گنو ویدن گرن، سبکتین در عوض ابومنصور سبکتگین یا سبکتگین، استخری و ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی استخری در عوض اصطخری، پی. ا. اسکاجرو و پی. اسکیاروو در عوض پردز اکتور شروو، ابونعیم اصبهانی در عوض ابونعیم اصفهانی، قالب بن عبدالله در عوض غالب بن عبدالله، قیص بن مسعود در عوض قیس بن مسعود، عمر بن طفیل در عوض عامر بن طفیل، ایاس بن قبیسه و قبیسه در عوض ایاس بن قبیسه، ابوعبیده در عوض ابوعبید ثقفی، وی. سرخوش کورتیس در عوض وستا سرخوش کرتیس، عبدالله بن صبا و ابن صبا در عوض عبدالله بن صبا، مغازی در عوض المغازی، اس. اچ. نصر در عوض سیدحسین نصر، عاصم بن عمر در عوض عاصم بن عمرو، حارص بن عمر در عوض حارث بن عمرو، میشل فکو در عوض میشل فوکو، ای. هابزبان در عوض اریک هابسبام، اچ. سوتنبرگ در عوض هرمان زوتنبرگ، الگا داویتسون در عوض الگا دیویدسن، لورنس کونراد در عوض لارنس کنراد، طاریف خلیدی در عوض طریف خالدی، رادولف سب‌هایم در عوض رودولف سل‌هایم، جنگ جصر و جنگ پل در عوض نبرد جسر یا نبرد پُل، عبدالجان محمد در عوض عبدل جان محمد، زینل الاخبار

در عوض زین الأخبار، اف. التیم و ف. التیم در عوض فرانتس آلتهایم، جوزف صدن در عوض جوزف سدن، سی. اچ تقی‌زاده در عوض سیدحسن تقی‌زاده، دابلیو بی. هنینگ در عوض والتر برونو هنینگ، مایکل کروک در عوض مایکل کوک، عمر در عوض عمرو، عمر بن تمیم در عوض عمرو بن تمیم، عمر دوم پسر هند در عوض عمرو بن منذر، عمر بن عاص در عوض ابوعبدالله عمرو بن عاص بن وائل سهمی، یعقوب بن عبدالله هموی در عوض یاقوت بن عبدالله حموی، منذر بن ساوا در عوض منذر بن ساوی تمیمی، ایحله بن کعب در عوض عبهله بن کعب بن عوف عنسی یا أسود عنسی، جیحانی در عوض ابوعبدالله محمد بن احمد جیهانی، سیبوخت در عوض سیبخت یا اسیبخت، ابن دورید در عوض محمد بن حسن بن دُرَید ازدی یمانی یا ابن دُرَید، ابوحسین توحیدی و توحیدی در عوض ابوحیان التوحیدی، جزیمه و جزیمه پسر عمر بن ربیع در عوض جُذیمه، عبید بن شریه در عوض عبید بن شریح، عمر بن بحر جافظ در عوض ابوعثمان عمر بن بحر لیشی کنانی بصری یا جاحظ، بلدان در عوض البلدان، عبدالملک بن محمد ثعالبی در عوض عبدالملک بن محمد بن اسماعیل فراء نیشابوری یا عبدالملک ثعالبی، محمد امیدسالار در عوض محمود امیدسالار، فون گرون بام، جی. ای فون گرونوم و جی. ای. فون گرون بام در عوض گوستاو ادموند فون گرون نیباوم، ابن حشام در عوض ابومحمد عبدالملک بن هشام و ابن هشام، ماوراء جیحون و ماوراء نهر در عوض ماوراء النهر، وحرز در عوض وهرز دیلمی، معدی کرب در عوض معدیکرب، متن بن حارثه، مسنی و مسنی بن حارثه در عوض مثنی بن حارثه شیبانی، مقیره بن زراره در عوض مغیره بن زراره، وحب بن موناویه، وحب بن منبه، وحب و وحب بن منبه در عوض وهب بن منبه، بکر بن واعل در عوض بکر بن وائل، بشار بن بورد در عوض بشار بن بُرد بن یرجوخ تخارستانی، شاول شیکنت، شول شاکت و شاول شاکت در عوض شائل شاکد، جولیس و لهوسن، جولیس و لهاسن، و لهاسن و جی و لهوسن در عوض یولیوس و لهاوزن، سارا ساوانت و سارا باون ساوانت در عوض سارا بوون ساوانت، جاکو حامین آنتیلا در عوض یاکو همین آنتیلا، احمد بن عصم کوفی، احمد بن اعصم کوفی و ابن اصم در عوض ابومحمد احمد بن اعثم کوفی یا ابن اعثم، اندلوس در عوض اندلس، مورس حالب و اچس در عوض مورس هولباخ، جیکوب لنسر، ژاکوب لاسنر، لاسنر و ژاکوب لاسنر در عوض ژاکوب لنسر، ریچارد اتینگوسن و اتینگوسن در عوض ریچارد اتینگهاوزن، روتلج و رتلج در عوض راتلج، نرسی در عوض نرسه، و فیات العیان و وفیاد العیان در عوض وفیات الأعیان و أنباء

أبناء الزمان مما ثبت بالتقل والسمع وأثبتة العيان یا به اختصار وفيات الأیان، فهرست در عوض الفهرست، كشف الامه الجامع الى اخبار الامه در عوض كشف الغمه الجامع لأخبار الأمته، انصاب الأشراف که در عوض أنساب الأشراف، جمهرات النسب و قمهرات النصب در عوض الجمهرة النسب، بیان و تبیین و بیان در عوض البیان و التبیین، اختم بن سیفی در عوض أکثم بن صیفی تمیمی، غمغ بن اوتاده در عوض علقمه بن اوتاده، هلال بن علفه و هلال بن قمع در عوض هلال بن علقمه تمیمی، جابان در عوض بهمن جابان، مسلم بن قتیبه در عوض ابومحمد عبدالله بن مسلم دینوری، ابوبکر احمد بن علی خاطب بغدادی و خاطب بغدادی در عوض ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی یا خطیب بغدادی، اسمعی در عوض ابوسعید عبدالملک بن قریب الأضمعی یا الأضمعی، محمد بن اسماعیل بقایی در عوض محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بخاری یا بخاری، سرهان بن سعد در عوض سرحان بن سعید ازکوی و قس را که از دیگر اشکال‌های این برگردان هستند، مختصراً به‌شمارند.

باری، بررسی این برگردان مرتبه‌ای دیگر بر ما عیان داشت که صرف تسلط بر دو زبان مبدأ و مقصد، و نه مختصر توانایی برگردان واژگان و جملات از زبانی به زبانی دیگر را نمی‌توان ابزاری کافی در برگردان کتب تخصصی دانست. نظری اجمالی برآنچه راقم این سطور در پانویشت‌های پرشمار و مفصل این نوشتار آورد، به ما باز می‌نمایاند که برگردان کتبی تخصصی از این قسم به زبان فارسی را لازمه آن باشد که مترجم در جای جای کار خویش به منابع و مآخذ اصلی و مربوطه رجوع نماید و پیوسته بر پیرایش متن و جز آن به تصحیح خطاهای نگارنده اصلی در مواردی همچون اسامی، ارجاعات و .... اهتمام ورزد تا تحصیل دانش، خواننده اثر را سهل‌تر و راست‌تر آید.